



موضوع: حقوق اقتصادی زن مسلمان داور: حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبادی زاده

چکیده نظرات
استاد ارائه
کننده بحث:

چکیده نظرات
استاد منتقد:

همسانی زن و مرد که در قرآن به آن اشاره شده است از جهت گوهر وجودی و ارزش انسانی است. در ارزش انسانی، تقدم و تأخر لحاظ نشده بلکه با توجه به قرآن، گرمی ترین، با تقواترین معرفی شده است. خداوند نسبت به بندگان خود بسیار رئوف است و اساس تفاوت زن و مرد، بر اساس مصلحت و حکمت گذاشته شده و چیزی از ارزش در آن لحاظ نشده است. اسلام با تبعیض مخالف است نه با تفاوت. در اسلام، عدالت رعایت شده است. قرآن کلام مخلوق نیست؛ پس نمی توان آن را در زمان و مکان محدود کرد. هر گونه قانون گذاری را به معنای ارزش گذاری نگذاریم.

با توجه به آیه ۳۵ سوره احزاب که زن و مرد را به طور مساوی مورد خطاب قرار داده است، یکسری ویژگی های مشترک بین زن و مرد مورد توجه قرار داده شده است که بیانگر تساوی فطرت انسانی است. خداوند اصل وجود زن و مرد را یکی دانسته است اما در برخی آیات، یک نوع تبعیض بین زن و مرد به چشم می خورد. در حال حاضر در قرن پیشرفت، نمی توان این تبعیضات را تعدی پذیرفت و یا بر اساس اجتهاد «عصری کردن فقه» بعضی حقوق زن مثل ارث و دیه را با مرد برابر دانست. ارث و دیه از حقوق زن است و از شریعت جداست. آیا نمی شود حقوق و فقه را از هم جدا کرد؟ همان گونه که علما از ابتدا تا اکنون طبق مسائل روز حکم صادر کردند و همین هم دلیل بر پویایی فقه شیعی است؛ بنابراین متناسب با زن قرن بیست و یک می توان برخی حقوق را تغییر داد.

داور: انسان باید نگاه منظومه ای و هندسی به قرآن و مسائل زن و مرد داشته باشد. با نگاه تک گزاره ای این شبهات به وجود می آید. فقه سنتی و فقه عصری در مقام هم نیستند بلکه رابطه بین این دو عموم و خصوص مطلق است و عصری کردن فقه، بخشی از فقه سنتی است. مجموعه حقوق زن، هم ارث و هم نفقه است. از لحاظ قرآن نه تنها حقوق زن پایمال نشده بلکه با محاسبات دقیق، شاید چیزی بیشتر از مرد به زن داده شده است. تفاوت ها در قرآن، تبعیض نیست. در قرآن جایی برای بی عدالتی نیست. خلط این دو مبحث باعث بروز برخی شبهات شده است. عدالت به معنای تساوی نیست بلکه به معنای این است که هر چیزی سر جای خودش قرار بگیرد. شریعت و حقوق هم با هم رابطه دارند. حقوق بخشی از شریعت است. نمی توان اجتهاد را از مسیر و روش خود خارج کرد؛ زیرا اجتهاد یک چارچوب دارد و زمان و مکان جزء اجتهاد است؛ پس قانون و حقوق را نباید خارج از اجتهاد دانست.